موضوع: حقیقت و حدود خاتمیت

حد و مرز خاتمیت

موضوع بحث بررسی حد و مرز خاتمیت است، تا روشن شود در این مساله چه چیزی از آنچه مربوط به پیامبری و نبوت است ختم شده و چه چیزی ختم نشده و استمرار دارد. برای بررسی این مساله بر روی دو محور بحث می شود: ویژگی ها و صفات انبیاء و دیگر اهداف و اغراض آنان است. برخی از این ویژگی ها در جلسات گذشته بیان شد. اکنون به ادامه بحث می پردازیم.

شریعت و مساله خاتمیت

یکی دیگر از ویژگی های انبیاء الهی، مساله شریعت است. در این باره دو سوال را مطرح و بررسی می کنیم:

1. آیا شریعت برای همه انبیاء الهی بوده است یا اینکه شریعت مخصوص برخی از انبیاء بوده و بقیه پیرو آن شریعت بوده اند؟

2. آیا شریعت از اختصاصات انبیاء است که با ختم نبوت پایان یافته یا نه؟

شرع در لغت و اصطلاح

در مورد سوال اول ابتدا بببینم معنای شریعت چیست. راغب اصفهانی می گوید: «الشَّرْعُ: نهج الطّريق الواضح. يقال: شَرَعْتُ له طريقا، و الشَّرْعُ: مصدر، ثم جعل اسما للطريق النّهج فقيل له: شِرْعٌ، و شَرْعٌ، و شَرِيعَةٌ، و استعير ذلك للطريقة الإلهيّة. قال تعالى:

لِكُلٍّ جَعَلْنا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَ مِنْهاجاً [المائدة/ 48]

أحدهما: ما سخّر اللّه تعالى عليه كلّ إنسان من طريق يتحرّاه ممّا يعود إلى مصالح العباد و عمارة البلاد، و ذلك المشار إليه بقوله:

وَ رَفَعْنا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضاً سُخْرِيًّا [الزخرف/ 32].

الثاني: ما قيّض له من الدّين و أمره به ليتحرّاه اختيارا ممّا تختلف فيه الشَّرَائِعُ، و يعترضه النّسخ، و دلّ عليه قوله: ثُمَّ جَعَلْناكَ عَلى‏ شَرِيعَةٍ مِنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْها [الجاثية/ 18].

قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ: الشِّرْعَةُ: مَا وَرَدَ بِهِ الْقُرْآنُ، وَ الْمِنْهَاجُ مَا وَرَدَ بِهِ السُّنَّةُ. و قوله تعالى: شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ ما وَصَّى بِهِ نُوحاً [الشورى/ 13]، فإشارة إلى الأصول التي تتساوى فيها الملل، فلا يصحّ عليها النّسخ كمعرفة اللّه تعالى: و نحو ذلك من نحو ما دلّ عليه قوله: وَ مَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَ مَلائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ [النساء/ 136]. قال بعضهم: سمّيت الشَّرِيعَةُ شَرِيعَةً تشبيها بشريعة الماء من حيث إنّ من شرع فيها على الحقيقة المصدوقة روي و تطهّر‏»[[1]](#footnote-1).

راغب اصفهانی می گوید: شرع به معنای راه آشکار و روشن است. و استعاره برای راه و روش الهی آورده شده است. این استعاره به دو جهت است: یکی اینکه خدای متعال در فطرت انسان راهی تکوینی قرار داده که انسان را به مصالح او سوق می دهد. البته انسان ها تفاوت ها و مزیت های مختلفی با هم دارند. دوم: راهی است که خدای متعال به صورت تشریعی وضع کرده تا انسان ها با اختیار خود آن را برگزینند. ابن عباس گفته است: شریعت در آیه به معنای آن چیزی است که در قرآن آمده و منهاج به معنای چیزی است که در سنت آمده است.

راغب در ادامه می گوید: آیه 13 سوره شوری اشاره دارد به اصول اعتقادی که برای همه ملت ها یکسان است و نسخ آنها صحیح نیست، مانند شناخت و اعتقاد به خدای متعال. برخی گفته اند شریعت را بدان خاطر شریعت گفته اند که همانند شریعه آب است. شریعه آب محلی است که شیب ملایمی دارد و افراد می توانند از آن وارد شده و آب بردارند.

راغب می گوید: یکی دیگر از کلماتی که در قرآن به معنای شریعت آمده کلمه ملت است، با این تفاوت که ملت به پیامبر (ص) نسبت داده می شود، اما به خداوند نسبت داده نمی شود اما شریعت به خداوند نسبت داده می شود.

مرحوم طبرسی[[2]](#footnote-2) درباره معنای شریعت می فرماید: شریعه و شرعه به معنای راه روشن است. شریعه همان راهی است که به آب دسترسی پیدا می کنند و آب نیز مایع حیات است. به دین نیز شریعت گفته شده زیرا راهی است که انسان را به حیات اخروی می رساند. ایشان سپس می گوید مراد از آیه «لِكُلٍّ جَعَلْنا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَ مِنْهاجا»،[[3]](#footnote-3) امت سه پیامبر الهی یعنی حضرت عیسی (ع)، حضرت موسی (ع) و پیامبر اکرم (ص) است.

علامه طباطبایی در المیزان[[4]](#footnote-4) به بررسی معنای شریعت و تفاوت آن با ملت پرداخته است. ایشان می فرماید: شریعت به معنای راه و دین است. ملت نیز به همین معنا است. (از جهت لغوی می توان این دو معنا را به هم برگرداند). اما قرآن شریعت را در اخص از دین به کار برده است. مانند آیه «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلام‏»[[5]](#footnote-5) و آیه «وَ مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلامِ ديناً فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخاسِرين‏».[[6]](#footnote-6) این دو آیه با ضمیمه آیه 48 سوره مائده، بیان می کند که شریعت عبارت است از راه و روشی است که از سوی خدای متعال برای پیامبران آمده است، مانند شریعت حضرت عیسی (ع) و شریعت پیامبر اکرم (ص). اما دین همان راه و روش الهی است اما عمومیت دارد. بر این اساس شریعت ممکن است نسخ شود اما دین به معنای وسیع کلمه نسخ نمی شود. فرق دیگر این است که دین به یک نفر و جماعت نسبت داده می شود اما شریعت به یک نفر نسبت داده نمی شود مگر اینکه آن یک نفر واضع آن شریعت باشد.

ایشان در ادامه می گوید: آیه 13 سوره شوری با آنچه بیان شد منافاتی ندارد، زیرا این آیه دلالت بر این دارد که شریعت پیامبر اکرم (ص) که برای امت ایشان تشریع شده عبارت است از مجموع وصایای الهی به پیامبران گذشته بعلاوه آنچه بر پیامبر اکرم (ص) وحی شده است. نکته دیگر اینکه حقیقت همه شریعت های الهی یکی است و همه امت ها از آدم تا خاتم یک دین برایشان وضع شده است اما برای اینکه به آن دین کمال برسند، بر اساس اختلاف استعدادهای امت ها، سنت های مختلفی وضع شده است.

ادامه بحث انشاءالله در جلسه آینده بیان می شود.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. المفردات، راغب اصفهانی، ص 450 [↑](#footnote-ref-1)
2. مجمع البیان، ج3-4، ص 202 [↑](#footnote-ref-2)
3. سوره مائده، آیه 48 [↑](#footnote-ref-3)
4. المیزان، ج5، آیه 48 مائده [↑](#footnote-ref-4)
5. سوره آل عمران، آیه 19 [↑](#footnote-ref-5)
6. سوره آل عمران، آیه 85 [↑](#footnote-ref-6)